

مقدمه

در میان علوم اسلامی، علم کلام و عقاید مهم‌ترین علم به شمار می‌رود؛ زیرا عقیده اساسی‌ترین بخش هر دین و آیین و از جمله اسلام است. به همین دلیل است که به علم کلام، علم اصول دین نیز گفته شده و در احادیث درباره برخی آموزه‌های اعتقادی همچون توحید و عدل، واژه «اساس دین» به کار رفته است.¹

علم عقاید از پیشینه بلند تاریخی برخوردار بوده و در دیگر ادیان الهی همچون یهودیت و مسیحیت نیز وجود داشته است، هر چند در اسلام دارای ویژگیهای منحصر به فرد است و با نامی خاص یعنی «علم کلام» از آن یاد می‌شود.

یکی از ویژگیهای علم کلام این است که در آن هم جنبه نقلی وجود دارد و هم جنبه عقلی؛ به دیگر سخن علم کلام صرفاً به تبیین آموزه‌های اعتقادی قرآن و احادیث نمی‌پردازد، بلکه به دفاع عقلانی از این آموزه‌ها و مبادی و مقدمات آنها نیز می‌پردازد. در حالی که در ادیان همچون مسیحیت و یهودیت علم مشابه کلام، یعنی الهیات به مجموعه معارف اخذ شده از متون مقدس اطلاق می‌شود. در این ادیان مباحث دفاعیه تحت عنوان آپولوژی قرار می‌گیرد.

در مورد وجه تسمیه کلام، احتمالات بسیاری داده‌اند، ولی یکی از احتمالات مهم این است که این علم تکلّم و گفتگو با مخالفان، درصدد دفاع از آموزه‌های اعتقادی است. از این وجه تسمیه دو نکته مهم قابل استفاده است: نکته اول اهمیت تکلّم و گفتگو در اسلام است. در واقع دانشمندان علم عقاید در عمل نشان داده‌اند که همیشه آماده گفتگو با مخالفان و دفاع از عقاید اسلامی هستند و این مطلب حکایت از استحکام آموزه‌های اسلامی و اعتماد حاملان آن به این آموزه‌ها بوده است. می‌دانیم که معجزه اصلی و همیشگی اسلام، یعنی قرآن نیز کلام الهی است و اولین آیات قرآن نیز در مورد خواندن و تعلیم و قلم می‌باشد.

نکته دوم این است که هر چند علم کلام استنباط عقاید اسلامی را در بر می‌گیرد، آنچه مهم‌تر است جنبه دفاعی و عقلانی آن است. این نکته حکایت از اهمیت عقل و دفاع عقلانی در میان متکلمان اسلامی و به خصوص متکلمان امامی‌مذهب و نیز معتزله دارد.

با وجود این، نکته اخیر در طول زمان باعث شده است که متکلمان بیشتر به مباحث بین‌الادیانی و بین‌المذاهبی روی آورده، کمتر به معارف عمیق تر و اختصاصی‌تر بپردازند. از این رو می‌بینیم که بسیاری از معارف اعتقادی عمیق در کتابهای کلامی مورد بحث قرار نگرفته است و متکلمان در مباحث اعتقادی به حداقلها بسنده کرده‌اند. این، در حالی است که در مباحث فقهی غالب مباحث، به خصوص در حوزه فردی، مورد کنکاش و اجتهاد قرار گرفته است.

آنچه این کتاب در پی آن است تبیین عقلانی آموزه‌های اعتقادی توحید و عدل بر اساس آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد و هدف اصلی نشان دادن این است که معارف کتاب و سنت، عقلی‌ترین و وجدانی‌ترین دیدگاهها در مباحث توحید و عدل می‌باشد.

به اعتقاد نگارنده معارف دین، معارف عقلانی است و عقل، درستی بسیاری از این معارف را، قبل از بیان دین یا پس از آن درک می‌کند. عقل، فقط آن بخش از معارف دینی را درک نمی‌کند که تحت عنوان «غیب» قرار می‌گیرند و امور تعبدی نامیده می‌شوند. البته همین آموزه‌ها هم از جهتی عقلی هستند؛ زیرا وقتی آدمی با عقل، خدا و پیامبر او را اثبات کرد، عقل حکم می‌کند که سخنان تعبدی خدا و پیامبر درست است و باید آنها را واقعی دانست و به آنها معتقد شد.

قضاوت درباره کتاب حاضر را به دانش‌پژوهان و محققان ارجمند وا می‌گذارم و از آنان می‌خواهم تا پیشنهادها و انتقادهای خود را در اختیار بنده قرار دهند. از همه کسانی که به نحوی در تألیف و نشر کتاب مؤثر بوده‌اند تشکر می‌کنم. از پدر و مادر و همسر و اساتید خویش و مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مؤسسه فرهنگی دارالحدیث کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

رضا برنجکار

قم، 8 دی 1386

(18 ذی الحجه 1428)